



۹۶

سوسیالیسم امروز

۳۱ فروردین ۱۳۹۸ - ۲۰ آوریل ۲۰۱۹

www.simroz.org

S_zijji@yahoo.se

سرپرست: سلام زیجی

گفتگوی نشریه "سوسیالیسم امروز" با جوانمیر مرادی در باره: سیل زدگان، نقش دولت و شهروندان، و دلیل حضور حشد شعبی، فاطمیون و حزب الله

صفحه ۳

گفتگوی صدای سوسیالیسم امروز" با سلام زیجی و زاگرس ابراهیمی در باره: آلترناتیو سازی اپوزسیون راست، احزاب ناسیونالیست کرد، فدرالیسم قومی، و راه حل حزب سوسیالیست انقلابی برای حل ستم ملی

صفحه ۶

کلیسای نوتردام، سمبل ۸ قرن خرافه و جنایت

صفحه ۴

"لواسان" یکی از اشرافی ترین منطقه سرمایه داران و عوامل حکومت اسلامی

صفحه ۱۴

حشد شعبی، جمهوری اسلامی، شونیسم و رضا پهلوی، و سیاست ما سوسیالیستها

صفحه ۵



اقدام ضد کارگری "هفته کارگر" جمهوری اسلامی را با شکست مواجه کنیم!

سلام زیجی

حکومت مذهبی سرمایه داران ایران امسال نیز به مناسب فرا رسیدن روز جهانی کارگر چرتکه انداخته اند و نقشه کشیده اند که به تلاش و اتحاد جنبش ما حول روز جهانی کارگر آسیب برسانند. برنامه چیده اند تا فضا را مسموم کنند و مانع برگزاری متحدانه روز جهانی کارگر که روز اتحاد طبقاتی و نه گفتن به تمامیت نظام پراز جنایت و نابرابری سرمایه داری و علیه کلیت حکومت اسلامی و تاریخ ضد کارگری ناکنونی آن است، بشوند. طرح ارتجاعی هر ساله "هفته کارگر" دقیقاً به این منظور طراحی شده است. از همان دوره کشتار کارگران نفت و اعدام جمال چراغ ویسی و عبدالله بیوسه تا به رگبار بستن کارگران خاتون آباد و حمله مسلحانه به مراسمهای روز کارگر و بازداشت و شکنجه برگزار کنندگان اول مه ها و تا سرکوب وحشیانه کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و بازداشت فعالین آنها و تحمیل مزد بردگی و بیکار سازیهای گسترده هرروزه نشان داده که این حاکمیت چون سگ وحشی به جان طبقه ما افتاده و با چنگ و دندان از

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!



«شورای اسلامی» از خود بیگانه شده چند ساعتی گرم کنند و بلاخره با این نمایشنامه مسخره شش روزه حلقه روز هفتم فرا میرسد و آن روز را نیز معمولاً مترادف میکنند با روز جهانی کارگر. برای این

روز نیز برنامه های از پیش تعریف شده آماده است: به دیدار مجلس رفتن، مراسمی دولتی گرفتن با سرپرستی خانه کارگر، سخنرانی و هدیه های گزینی مقامات دولتی تدارک دیده شده است. بخش آخر این سریال هفتگی عمیقاً ضد کارگری با «دیدار با خانواده کشته شده گان و معلولین جنگ» و عزاداریهای اسلامی شان به پایان میرسانند.

نتیجه: دوباره کارگران شرکت کننده در این نمایش ضد کارگری همچنان برده و سرکوب شده و سر به زیر باقی می ماند، و دولت و سرمایه داران و اسلاميون حقه باز نیز به مفت خوری و جنایت و فساد خود ادامه می دهند. جنبش سوسیالیستی طبقه و فعالین پیشرو با افشای ماهیت و اهداف «هفته کارگر» و تلاش برای تحریم و عدم شرکت کارگران در این نمایش مسخره علیه طبقه کارگر، با تدارک متحد کننده ترین اقدامات ضد کاپیتالیستی و ضد دولتی روز جهانی کارگر متحدی را علیه سرمایه داران و حکومت اسلامی به نمایش خواهند گذاشت و راه پیشروی و اتحاد و همبستگی طبقاتی خود را تقویت و گسترش خواهند داد.

ننگ و نفرت بر «هفته کارگر» ضد کارگری جمهوری اسلامی!
زنده باد اول مه روز جهانی طبقه کارگر!
مرگ بر سرمایه داری!
زنده باد سوسیالیسم!

یک رکن بسیار مهم پیروزی جامعه ای که خواهان آزادی و برابری و رفاه و امنیت است توجه جدی به سیاستهای رادیکال، شفاف، بدون تعارف و بدون توسل به رویکرد فاسد دیپلماسی بازی با «توده ها» و دنیای سیاست، از جانب احزاب سیاسی و نوینی مانند حزب سوسیالیست انقلابی ایران است.

این حزب را به عنوان حزب راستین طبقه کارگر، حزب واقعی آزادی زن، حزب جوانان انقلابی، و حزب سازمانده و رهبر جنبش ما برای سرنگونی قهر آمیز جمهوری اسلامی و کلیت نظام فاسد سرمایه داری، استقرار آزادی، برابری و یک نظام سوسیالیستی در آینده بعد از نابود کردن این رژیم جهل و جنایت باید شناخت و به آن پیوست (س-ز)

اقدام ضد کارگری «هفته کارگر» ...

موجودیت ننگین خود، از سیستم سرمایه و منافع بورژواهای رنگارنگ ایرانی حراست میکند. تدارک «هفته کارگر» و «اعلام هفت هدف» بخشی از تلاش ضد کارگری و جنایت عظیم، آشکار و پنهان، اما بی وقفه حکومت اسلامی و سیستم سرمایه داری ایران علیه طبقه ما و زنان و مردان آزادیخواه آن جامعه در چهار دهه اخیر میباشد. باید با تمام قدرت علیه آن ایستاد و مزدوران چون محبوب و دیگر قماش ضد کارگری در خانه کارگر و شوراهای اسلامی رژیم را که ستون ضد کارگری این پروژه و دیگر جنایات سازمان یافته علیه طبقه کارگر هستند رسواتر نمود.

این نمایندگان سرمایه داری افسارگسیخته روز اول «هفته کارگر» خود را روز تجدید پیمان با آرمانهای خمینی نامگذاری کرده اند که در آن روز از کارگران میخواهند بر سر قبر یک شخصیت قرون وسطایی و ضد کارگری و ضد بشری بروند. روز دوم را روز «کارگر زن» نامگذاری کرده اند تا ابتدا طبقه ما را از وسط دو تکه کنند و از طرف دیگر ماهیت و عملکرد ضد زن بودن خود را پنهان نمایند. روز فاطمه یعنی روز بربریت و جهالت را با روز جهانی زن که روز رهایی از ستم و نابرابری از جمله خلاصی از افیون مذهب و حکومت اسلامی میباشد جانشین میکنند. حال به فکر «زن کارگر» افتاده اند و از طریق ضد زن ترین نهاد در دفتر ریاست جمهوری شان میخواهند «زنان کارگر» را هم «گرامی» بدارند. روز سوم را نیز به روز خدمت به ارتجاعی ترین و ضد کارگری ترین قانون کار در جهان، یعنی روز خدمت به قانون کار اسلامی تعریف کرده اند. این دیگر گستاخی تمام عیار است که طبقه کارگر را به التزام به قوانینی دعوت میکنند که از بیخ ارتجاعی و بند به بند آن برای انقیاد کارگر تدوین شده است. روز چهارم روز تجدید پیمان با ولایت خامنه ای نامگذاری شده است. یعنی روز «تجدید پیمان» با مرکز صادرات تعفن و رهبر باندهای آدمکش و ضد کارگر. روز پیمان با مفتخورترین، دروغگو ترین، پست ترین و ضد آزادی ترین قشر جامعه. روز پنجم نیز روز کارگران جوان و پیمانی است که سرمایه داران ایرانی با این ترفند «کارگر جوان» را به تحمیل بیکاری و کار موقت و اطاعت از قراردادهای سفید که با دست خود چک سفید به کارفرما و دلالان بازار میدهند که تا آخرین روزهای جوانی شان مطیع باشند و به شکر گذاری در سیر کردن شکم رضایت دهند. این شگرد شناخته شده و آگاهانه سرمایه داری علیه نسل جوان کارگر تازه وارد شده به «بازار کار» است که نباید آن را پذیرفت. و اما جالبتر اینکه روز ششم روز «معنویت» نامگذاری شده است. همان معنویت اسلامی که خمینی گفت ما «معنویت نصیب شما میکنیم» و چهل سال است جامعه ایران جز فساد، دزدی و جنایت و آدمکشی و تحمیل تن فروشی رسمی و به اعتیاد کشاندن میلیونها انسان و دروغ و افترا که اساس معنویت اسلام و حزب جمهوری اسلامی بود و هست روایت دیگری از «معنویت» اینها را ندیده و نخواهد دید. این روز را عامدانه به روز جمعه انداخته اند تا بساط خرافات نماز جمعها و قمه کشی اسلامی و سنی و شیعه گری را با همراهی تعدادی کارگر «خانه کارگر» و

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گفتگوی نشریه "سوسیالیسم امروز" با جوانمیر مرادی در باره: سیل زدگان، نقش دولت و شهروندان، و دلیل حضور حشد شعبی، فاطمیون و حزب الله



مردم بارها

در جریان چنین فجایعی دیده اند که نقش نهادهای نظامی، دولتی و هلال احمر بیشتر نمایشی و تبلیغی بوده و در جریان سیل اخیر هم بیشتر نمایان شد.

در گلستان بعد از چند روز از وقوع سیل و آب گرفتگی کامل منازل مردم و از بین رفتن هست و نیست شان، تازه سر و کله مقامات و به اصطلاح گروه های امداد پیدا شد که آن هم بیشتر برای سلفی گرفتن در آب با فریبکاری و وانمود به همدردی و در کنار مردم بودن، بود. به خاطر همین نمایشات فریبکارانه، آن هم بعد از جان باختن تعداد زیادی انسان و نابود شدن خانه و زندگی ده ها هزار نفر، مردم به حضور خیلی از مسولین در مناطق آسیب دیده اعتراض کردند و نمی خواستند به صحبت هایشان که مدام برای انداختن تقصیر به گردن طبیعت و قضا و قدر و سرنوشت از پیش تعیین شده، موعظه می کردند، گوش بدهند.

سوسیالیسم امروز: اخیرا نیروهای حشد شعبی با تانگ و توب وارد ایران شدند گویا برای کمک به سیل زده گان آمده اند؟ آیا این ادعا درست است؟ اگر چنین است نیروی مسلح و تانگ چرا؟ اگر کمک "مردمی" است پس چرا شاهد ستون کامیونهای مردم عادی در اقص نقاط عراق و دیگر مناطق به ایران نیستیم. داستان چه است؟

جوانمیر مرادی: ادعا و توجیه حضور نیروهای حشدالشعبی، فاطمیون و حزب الله لبنان در مناطق سیل زده برای کمک و امدادسانی به سیل زدگان در حالیکه نیروهای امنیتی و سپاه به محل کمپته های کمک رسانی مردمی حمله می کنند و افراد امدادگر را بازداشت و روانه بازداشتگاه ها می کنند، شبیه به «جک» است.

ادامه ←

هموعانشان به کار می گیرند، نسبت به این لاقیدی های دستگاه های حاکم بی طرف نیستند و قصد ندارند که خود با اندک امکانات مالی و مادی ای که دارند، وظایف دولت را به دوش بکشند، بلکه برعکس ضمن اقدامات به موقع برای نجات مردم گرفتار و آسیب دیده، اعتراض خود را نسبت به دولت که به وظیفه خود عمل نکرده، بیان می کنند و مدام فشار خود به دستگاه های مسول وارد می آورند. خود مردم مصیبت دیده هم خشم و اعتراضشان به عدم رسیدگی و کمک رسانی دولت به شکل جدی ابراز می دارند. اعتراض جوانان پلدختر و خرم آباد و تظاهرات مردم محله ملاشیه اهواز که با حمله نیروهای سرکوبگر مواجه شد و درگیری مردم روستاهای حمیدیه در مقابل یورش نیروهای سپاه که به قصد شکستن سیل بندهای ساخته شده توسط خود مردم، رفته بودند که در نتیجه ۴ نفر از اهالی زخمی و یک نفر هم جانباخت، نمونه هایی از ساکت ننشستن مردم در برابر ستمی است که به آنها روا داشته شده است.

سوسیالیسم امروز: برای همگان روشن بود حکومت و حتی نهادهای مانند حلال احمر نقشی در رفع درد و رنج آسیب دیدگان زلزله نداشته اند، و حتی شایع است که کمکهای مردمی را نیز برای خود میبرند، نگاه جامعه به نقش دولت و مقامات نظامی و حلال احمر در این رابطه چگونه است؟

جوانمیر مرادی: نفس حضور گسترده مردم در کمک رسانی به آسیب دیدگان و ایجاد تشکلهای خود مدیریتی برای مدیریت کمک و نجات، گواه این است که مردم هیچ اعتمادی به نهادهای دولتی مانند هلال احمر ندارند و حاضر نیستند کمک های خود را به آنها بسپارند و حتی اجازه دخالت در نحوه نگهداری و توزیع کمک ها هم به آنها نمی دهند.

سوسیالیسم امروز: شاهد اقدامات شما و دیگر فعالین و نهادهای انسادوست برای ارسال کمک به سیل زدگان هستیم. ضمن قدردانی از این اقدامات انسانی و با ارزش، لطفا در باره دامنه این کمکها و اینکه آیا در کل کشور این اقدامات در جریان است، توضیحاتی برای خوانندگان نشریه سوسیالیسم امروز بدهید.

جوانمیر مرادی: اقدامات مردمی جهت کمک رسانی به سیل زدگان از همان روزهای اول شروع سال جدید که همراه بود با وقوع سیل در استان گلستان، انجام گرفته و مردم از مناطق مختلف با ایجاد گروه ها و ستاد ها و کمپته های کمک رسانی هم در زمینه جمع آوری کمک ها و هم در زمینه نجات افراد گرفتار در سیل فعالیت وسیع داشته اند. علت این همیاری و کمک رسانی گسترده توده ای، تجربه مردم از لاقیدی دستگاه های دولتی و حکومتی نسبت به جان انسانهای در خطر فجایعی مانند سیل و زلزله است که دیگر به نظاره فنا شدن هموعانشان نمی نشینند و این گونه سریع دست بکار می شوند.

الان تعداد بسیار زیادی از کمپته ها و گروه های همیاری در شهرهای مختلف و در مناطق سیل زده فعال هستند. از جمله ستاد همیاری کانون صنفی معلمان، کمپته های امدادسانی مردمی، گروه های کمک رسانی بعضی از مراکز کارگری مانند هپکو و هفت تپه و کمپته کمک رسانی ما (انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، تشکل برای کودکان و فعالین کارگری و اجتماعی سنندج و بوکان).

ضمن اینکه مردمی که فداکارانه تمام توانشان را برای نجات و کمک به

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!



کلیسای نوتردام، سمبل ۸ قرن خرافه وجنایت

عزیز عبدالله پور

کلیسای ۸۰۰ ساله نوتردام آتش گرفت. در طول چند قرن، یعنی در طول ۸۰۰ سال این کلیسا سمبل دین کاتولیک های جهان بوده است. دولت ها آمدند زیر سایه خرافات مذهبی کاتولیک ها در کلیسای نوتردام و کلیساهای دیگر برای به خرافات کشانیدن مردم فقیر، کارگران و زحمتکشان نقشه ها چیدند، آزارها رساندند و تجاوزهای بیشماری حتی به کودکان کرده اند تا قدرت و حاکمیت خود را بر اساس دو رکن خرافه و استثمار تداوم بخشند.

کلیسای نوتردام فرانسه سمبل و سنت کلیسای جهانی است. در کنار "آثار باستانی" بودنش، که به قیمت مرگ و آزار و کار بردگی دهها هزار انسان و گرفتن پول رایگان از مردم در یک دوره نزدیک به دویست ساله از پروسه ساختن آن به پایان رسیده بود، درست مانند مساجد و اسلام گرایی در "کشورهای مسلمان" بعنوان ابزارهای خرافاتی کمک به حاکمیت ظالمان و سرمایه داران و دولتهای غربی از جمله در مهد دموکراسی فرانسه تبدیل گردید. تا زمانی که کشیک و مسیحیت و کاتولیک و کلیسا قدرت در دست داشت ضد انسانی ترین سنت و قوانین علیه زنان و کودکان عملی شده است. از آتش زدن زنان تا جنگ سلیبی و راه انداختن جنگ های مختلف در کشورهای اروپایی بخشی از نقش و تاریخ این دین و فرهنگ عقب مانده ماقبل سرمایه داری است، که اکنون سرمایه داری "مدرن" بنا به نیاز خود آنرا بازسازی و مورد بهره برداری قرار می دهد.

کلیسای نوتردام سمبل و حافظ جامعه کهنه برده داری، سمبل جامعه فئودالی و امروز سمبلی شده است برای جامعه کاپیتالیستی جهانی. بخاطر تبلیغات ۸۰۰ ساله کلیسای چون کلیسای نوتردام، دولت های دست راستی اروپا و آمریکا، هر روز رو به جامعه سخن می گویند، به خدا و کلیسا قسم می خورند تا بتوانند کارگران، زحمتکشان و مردم فقیر را فریب سیاست های ضد بشری خود بدهند. وقتی برای سرکوب مبارزه آزادی خواهانه به کشورهای فقیرتر حمله می کنند، با خود سمبل کلیسا و خدا را می برند، یعنی سلیب عیسی مسیح را بگردن خود آویزان می کنند.

در چند روز گذشته بعد از آتش سوزی در کلیسای نوتردام، سرمایه داران و سرمایه گذاران و دولت فرانسه قول بازسازی کلیسای نوتردام را داده اند و فوراً قریب به یک میلیارد یورو را جمع اوری کرده اند و حتماً پایش خواهند ایستاد. همین دولت در بیمارستانها دنبال "جلیقه زردهای" معترض و زخمی میگردد تا آنها را شناسائی و مجازات کنند در حالی که پول و ثروت همین معترضین و کارگران را در کمتر از ۲۴ ساعت برای بازسازی یک اثر خرافی تامین کرده اند. دولت فرانسه کارگران را بی کار می کند، مالیات های کارگران و زحمتکشان را بالا می برد و مالیات های سرمایه داران و سرمایه گذاران کوچک و بزرگ و زمینداران بزرگ را پائین می آورند، و برای "خارجیان" و مردم فقیر و تهی دست حتی مناطقی از شهرهای بزرگ را به گتوها تبدیل کرده اند، که با هزینه همین کلیسا میشود کل این نیازمندیها را رفع کرد و جامعه انسانی تری ساخت.

دولتهای بورژوائی هرساله میلیونها دلار هزینه تعمیر کلیساها می کنند چرا که دولت و جامعه سرمایه داری به کلیسا احتیاج دارند، چون به کمک خرافات مذهبی کلیسا می توانند برای مدت طولانی تر کارگران و زحمتکشان را فریب بدهند و آنها را ساکت کنند. متأسفانه در طول انقلاب کمون پاریس، کمونیست ها نتوانستند این سنت و کلیساهای ضد زن و خرافی را در آنزمان به تاریخ بسپارند و جای آن پارک و مهد کودک و مدرسه و مسکن برای بی سرپناها بسازند، البته یورش مسلحانه طرفداران کلیسا و سرمایه داران نیز اجازه چنین اتفاقی در جامعه و به انقلاب کنندگان نداد.

ما کارگران، کمونیست ها و سوسیالیست های انقلابی اعلام میکنیم که بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی و نظام خرافه و ظالمانه و فاسد سرمایه داری در ایران، کلیه مساجد و کلیساها و مکان های خرافای مذهبی

← ادامه

گفتگوی نشریه "سوسیالیسم امروز" با جوانمیر ...

مگر امدادگران بازداشت شده همان جوانان خوزستان نیستند که با بیل دستی و با دست خالی گونی ها را با خاک پر می کردند تا سیل بند درست کنند و از ورود سیلاب به منازل و مزارعشان جلوگیری کنند؟ مگر همان جوانان منطقه ملاحیه اهواز نبودند که با ایجاد دیواره انسانی خود را مقابل مسیر سیلاب قرار داده بودند، در حالیکه نهادهای دولتی و حکومتی حاضر نبودند هیچ کمکی بکنند و هیچ امکانات و ماشین آلاتی برای ایجاد سیل بند در اختیارشان قرار دهند؟ اگر فداکاری های مردم و جوانان متشکل در کمیته های امدادسانی مناطق سیل زده خوزستان، گلستان و لرستان و همچنین امداد رسانان مردمی در شهرهای دیگر که با به خطر انداختن جان خود باعث نجات جان انسانها زیادی شدند، در هر یک از کشورهای دیگر که حکومت هایشان مجبور شده اند قدری به جان و اموال مردمانشان اهمیت دهند، اتفاق می افتاد، به احترامشان تندیس ها و مجسمه های یادبود می ساختند و در میادین اصلی شهرها نصب می کردند. اما در ایران در مقابل چشم عموم، این انسان های فداکار را بازداشت می کنند و در عین حال ادعا می کنند که نیروهای شبهه نظامی حشدالشعبی، فاطمیون و حزب الله لبنان برای کمک به سیل زدگان آورده اند!

این نیروها که بعد از یک ماه از وقوع سیل به ایران وارد شده اند، چرا از ابتدای محاصره سیل بودند و نیاز به کمک داشتند، نیامدند؟ حالا که سیل همه چیز مردم را نابود کرده و این مردم دیگر هیچی برای از دست دادن ندارند، حشدالشعبی و فاطمیون و حزب الله چه کاری از دستشان بر می آید و می خواهند چه کاری برای سیل زدگان انجام دهند؟ آیا می خواهند به سیل زدگان خانه بدهند؟ می خواهند خسارات به مردم سیل زده پرداخت کنند؟ مطمئناً هیچ یک از این اقدامات در توان و وظیفه اینها نیست. تنها کاری که تا حالا اینها کرده اند، جولان دادن با ماشین های رعب آور با برافراشتن پرچم های حشدالشعبی و فاطمیون و حزب الله در خیابانها بوده است. هنوز چند روز از ورودشان به ایران نگذشته اقدام به کنترل رفت و آمد شهروندان و گیر دادن به زنان بی حجاب کرده اند. در نتیجه شکی نیست که این نیروها برای کمک به سیل زدگان نیامده اند.

سوسیالیسم امروز: اگر فراخوان و یا نکته دیگری دارید بفرمائید

جوانمیر مرادی: در پایان بر تشکیل شوراهای کارگری و مردمی تاکید می کنم. علاوه بر توضیحاتی که در رابطه با تشکیل شوراهای کارگری برای دفاع از حقوق کارگران دادم، سیل اخیر باعث آسیب های فراوانی به جمعیت زیادی از مردم شده و هست و نیست شان از بین رفته است. تشکیل شوراهای مردمی چه در میان خود آسیب دیدگان و چه در میان بقیه مردم ضروری است تا بتوان متحدانه خواهان جبران فوری خسارات و سر و سامان دادن به سیل زدگان شد. شرایط زندگی برای سیل زدگان در چادر، بدون امکانات بهداشتی غیر قابل تحمل است و برای مناطق گرم با دمای بالای ۵۰ درجه در ماه های آینده بخصوص برای سالمندان و کودکان کشنده خواهد بود. اگر سریعاً در منازل مناسب اسکان داده نشوند، جان خیلی ها در خطر خواهد بود.

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

حشد شعبی، جمهوری اسلامی، شونیسم و رضا پهلوی، و سیاست ما سوسیالیستها

عزیز عبدالله پور



دوباره محکوم به زندگی چهار برابر زیر خط فقر شدند و اکثریت شهروندانی که هر روز با فقر و بیکاری بیشتر دست بگریبان هستند،

حکومت اسلامی را نگران کرده که با میدان آمدن همه این منتظران از خود روبرو گردد و توان مقابله را با این موج از خشم همگانی نداشته باشد. به علاوه حربه تروریست خواند اخیر سپاه پاسداران از جانب دولت امریکا، که خود به اندازه سپاه تروریست و آدمکش است، راهی برای جمهوری اسلامی باز کرده است که امکان آماده سازی برای سرکوب مردم معترض و همزمان مانور قدرت نظامی در مقابل امریکا را نیز در دستور خود بگذارد. وارد کردن جریانات تروریست مانند حشد شعبی به این اهداف رژیم کمک میکند، نه آسیب رساندن به "تمامیت ارضی" شونیستها!

از زاویه منفعت شهروندان و مبارزه آزادیخواهان علیه جمهوری اسلامی است که ما نه فقط مخالف آوردن این جریانات تروریستی هستیم که مخالف حضور و وجود تمام نیروهای سرکوبگر و مفت خور و تروریست جمهوری اسلامی نیز هستیم. و از طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران میخواهیم همه آنها را با اتکا به ایجاد تشکلهای توده ای خود و روی آوری به سیاستهای که ما دنبال میکنیم از میدان بدر کنند. ما میگوئیم نباید از موضع راسیستی و شونیستی به ورود یک مشت تروریست از عراق یا افغانستان به ایران رفتار کرد، چرا که این نگاه راسیستی-شونیستی ما را از اصل مبارزه و تلاش برای از سر راه برداشتن کلیت جمهوری اسلامی و نیروهای تروریستی و سرکوبگر آن دور نگاه میدارد. ما همزمان باید علیه دروغ و عوامفریبی جمهوری اسلامی مبنی بر کمک به سیل زدگان از جانب حشد شعبی و دیگر تروریستها به میدان بیاییم و اعلام کنیم سیل زدگان نیازی به تروریسم و تانگ و تفنگ و نمایش نظامی ندارند! آنها به مسکن و چادر و نان و آب و امنیت و آرامش و حتی دزدیده نشدن کمکهای جمع آوری شده مردمی از سوی حلال احمر و سپاه و دولتیها، نیاز دارند.

اکنون زندگی و جان دهها هزار انسان سیل زده در خطر است، در کنار گسترش اقدامات با ارزش و خودجوش شهروندان در کمک رسانی به سیل زدگان، باید خواهان جبران همه این خسارتها از جانب حکومت اسلامی، و همزمان خروج کلیه نیروهای سرکوبگر و مسلح اعم از سپاه و ارتش و حشد شعبی و فاطمیون از زندگی مردم و شهرها بود. **مرگ بر جمهوری اسلامی و همه نیروهای تروریستی از جمله حشد شعبه!، تنگ و نفرت از سیاست شونیستی و راسیستی!، زنده باد سوسیالیسم!**

حشد الشعبی، لشکر فاطمیون و غیره به بهانه نابجای کمک به سیل زدگان، وارد منطقه سیل زده، بخصوص منطقه خوزستان و اهواز شده اند. در این رابطه شاهد موجی از تحریکات و تبلیغات عقب مانده نیز هستیم. عده ای از جریانات راست، سلطنت طلبان، رضا پهلوی، مجاهدین خلق و مفسران و پژوهشگران سیاسی، اقتصادی، نظامی در رادیوها و تلویزیون های خارج کشوری حضور به عمل آورده اند و در باره "تعرض به میهن" از هر دری سخن گفتند. رضا پهلوی "فرمان" صادر کردند که خوشبختانه کسی برایش گوش شنوائی نداشت، این فرمان یک فرمان فاشیستی-شونیستی بود نه در راستائی کمک به جامعه و رشد آگاهی و اتحاد شهروندان در قبال جمهوری اسلامی و دیگر تروریستهای مانند حشد شعبی. این سیاست همانند حمایت ایشان از سپاه یک اقدام ارتجاعی و به عرق عقب مانده ملی گرایی و شونیستی خدمت کرد. از "ولیعدی" که هنوز از نان سفره دوران پدرش دارد تغذیه میکند از این بیشتر نمیتوان ازش انتظار داشت.

چرا این آقای پهلوی که اکنون دم از "بیرون کردن حشد شعبی میزند چون وارد سر زمین ایران شده اند"، خود از حامیان سپاه پاسداران بوده و میباید؟ اینها مگر از منظر اکثریت شهروندان ایران با هم فرقی دارند؟ امروز بعد از وارد شدن نیروهای تروریستی حشد الشعبی، لشکر فاطمیون و نیروهای تروریستی اسلامی دیگر، رضا پهلوی و مجاهدین و مفسران نان بنرخ روز خور شروع به داد و فریاد کرده اند. همه از تمامیت ارضی ایران مقدس، سرزمین کورش مقدس شان بدفاع برخاسته اند، نه دفاع از مردم رنجدیده ایران که هم از ارتش و سپاه و حشد شعبی هم از دست این خاندان و جریانات و سیستم مذهبی دو قرن است زندگیشان بر باد رفته است. شما، سلطنت طلبها و شونیستها و مجاهدین، حامی تحریم اقتصادی مردم هستید، شما که دل به امریکا و ترامپ و عربستان بسته اید تا به جایی برسید، شما که پول باد آورده زیادی را تحویل گرفته اید، چرا باید مخالف ورود حشد شعبی باشید؟ اگر ورود خارجیها به "میهن" جرم و غیر قانونی است، مزدور و همراه امریکا و عربستان شدن و پول مملکت دزدیدن نیز غیر قانونی و جرم و جنایت است از نظر ما و کارگران و اکثریت شهروندان ایران!

جدا از بازیهای سیاسی شونیستها و رضا پهلوی و مجاهدین، در باره ورود این نیروهای تروریست به ایران در این باره لازم است به چند نکته اشاره کرد. ۱- حکومت جمهوری اسلامی خود یک حکومت جنایتکار و تروریستی و بی ربط به جامعه است. از آسیا تا آفریقا و اروپا عمل کردهای تروریستی حکومت جمهوری اسلامی را بر تن خود لمس کرده اند. جمهوری اسلامی به کمک نیروهای تروریستی حزب الله در لبنان، حشد الشعبی در عراق و سوریه، نیروهای اسلامی تروریستی در کشورهای چون نیجریه، فیلیپین و وو دست به عملیات های ضد بشری زده اند و در کشتار دسته جمعی کودکان، سالمندان و مردم غیر نظامی در این کشورها دست اول را در جنایت ها داشته اند. و بخش زیادی از پروت کشور را در این راه هزینه کرده و میکند، اما اکنون که در بیشتر از ۱۱ استان در ایران سیل آمد و هزاران هزار کودک، زن و مرد، پیر و جوان آواره شدند و صد ها نفر جان باخته اند، حکومت جمهوری اسلامی، و نیروهای سرکوبگرش از سپاه پاسداران تا ارتش و بسیج، نه اینکه به مردم هیچ کمک جدی نکرده اند بلکه با خشونت هم به مردم معترض و سیل زده پاسخ داده اند. نگرانی از فوران خشم مردم سیل زده و طبقه کارگر که به تازگی

از صفحه ۴

کلیسای نتردام، ...

اسلامی را که با زور و با پول مردم ساخته شده اند به همراه همه دارائیهای بیشمار که به نهادهای مذهبی اختصاص داده شده است باطل و منحل اعلام میکنیم و آنها را به نفع جامعه مصادره خواهیم کرد. همه مکانهای مذهبی ببرد بخور را به مکانهای تفریحی و آموزشی و پارک و مسکن رایگان برای نیازمندان تبدیل خواهیم کرد. تردیدی نداریم جامعه خود دست به چنین اقداماتی خواهند برد! مذهب باید تماما برگردد به کنج خانه و به امر خصوصی افرادی تبدیل گردد که به این خرافه باور دارد و در این حالت هم حق آسیب رساندن به بچه و زن و همسایه و جامعه ندارد! هیچ امکان مالی از جانب جامعه و دولت به هیچ بخشی از فعالیتهای مذهبی و اماکن خرافی اعم از مسجد و کلیسا و مقبره ها نباید اختصاص داد!، آخوند هم باید شغل شرافتمندانه ای برای خود پیدا کند!

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

گفتگوی "صدای سوسیالیسم امروز" با زاکرس ابراهیمی در باره: الترناتیو سازی اپوزسیون راست، احزاب ناسیونالیست کرد، ارتجاع فدرالیسم قومی، و راه حل حزب سوسیالیست انقلابی برای حل ستم ملی

بودن جدال این دو قطب ارتجاعی بر سر راه مبارزه ما در ایران و برای مردم منطقه منجر شده است. از هر دو طرف درگیر در این مسئله دخالت دارند و هرکس به دنبال سهم خودش است. ادعاهای مبنی بر "بخاطر مردم" این دعوا و کشمکش را با هم راه انداخته اند، یک دروغ بیش‌رمانه از هر دو سوی این جدال ارتجاعی است. منظوم این است که این اتفاقات در اپوزیسیون انعکاس داشته است. و این انعکاسات از دو دیدگاه میشود به آن نگاه کرد. اولی بخش کارگران و آزادیخواه و چپ و سوسیالیست، همچنانکه که اول به آن اشاره کردم به مبارزه ی گسترده ی مردم آزادیخواه و کارگران پشت بسته و از آن حمایت میکند، که این اعتراضات توده ای و کارگری و مستقلمی که وجود دارد بتواند سر پای خودش بایستد و جریان و مبارزه انقلابی خود را تا جایی ببرد که از راه يك انقلاب آزادیخواهانه و سوسیالیستی و کارگری جمهوری اسلامی را سرنگون کند و يك حکومت آزادیخواه را جایگزین نماید.

اما بخشی از اپوزیسیون دست راستی همین هایی که شما نام بردید سلطنت طلب هایی که مردم ایران آن ها را بیرون کردند و شکست دادند و بعضی از اپوزیسیون های مذهبی و ملی هم وجود دارند کسانی که خود را به نام "ملت" آویزان کرده اند یا جریاناتی مانند مجاهدین خلق در این بخش از مبارزه انقلابی در جامعه جایگاهی ندارند اما با قدرت از آن استفاده میکنند تا به نیروی ذخیره سیاست متکی به امریکا و قدرتهای خارجه بودنشان تبدیل نمایند و "الترناتیو" شوند. همه اینها در حقیقت به این درگیری های میان ایران و آمریکا پشت بسته اند، و به تعبیری میخواهند که با همان سناریویی که آن زمان خمینی را درست کردند، که جامعه انقلاب کرد به خیابان ها آمدند هزاران انسان قربانی شدن برای کسب آزادی و برابری که به هدف خود که رسیدن به يك حکومت آزادیخواهانه حکومت پهلوی را سرنگون کردیم. اما همین آمریکا و دولتهای غربی خمینی را درست کردن و بی-بی-سی و رادیو فرانسه و صدای آمریکا را در اختیار او قرار دادند و او را رهبر انقلاب معرفی کردند. یعنی یک ارتجاع دیگر را بر بستر مبارزه و انقلاب میلیونیها انسان دیگر به ناحق و با زور و عوامفریبی تبدیلش کردن به جانشین شاه. الان هم بخشی از اپوزیسیوني که شما نام بردید فکر میکنند که جمهوری اسلامی چون در بحران و کشمکش است و از داخل و خارج تحت فشار است و به طرف سرنگونی میرود و اگر قرار است به طرف سرنگونی برود ، بعد از جمهوری اسلامی انا باید دوباره و در لباس دیگری به قدرت برگردند، به جای اسلام یک نظام خرافی و ظالمانه دیگر به اسم يك نظام ملی سرکار بیاوریم. خیلی کوتاه عرض کنم که میخواهند چه به نام قومی فدراي باشد یا به نام شاهنشاهی و ملی گرایی سر کار بیایند. این هدفی است که آن ها دنبال میکنند.

← ادامه

صدای سوسیالیسم امروز: در این بخش از برنامه از رفقا سلام زیجی و زاکرس ابراهیمی دعوت کردیم که در رابطه با الترناتیو سازی اپوزسیون راست و شونیست، مخاطرات سیستم فدرالی، و چگونگی حل مشکل ملی در ایران گفتگویی داشته باشیم، توجه شما رو به این گفتگو جلب میکنم و به هر دو رفیق به شرکتشان در این برنامه خوش آمد میگویم.

ناصر زیجی: سوال اول را با رفیق سلام زیجی طرح میکنم. مدتی است که بخشی از اپوزیسیون ناسیونالیست و شونیست از جمله بازماندگان سرکوبگر سیستم شاهنشاهی ایران سعی در ساختن يك الترناتیو علیه رژیم اسلامی ایران شروع کرده اند، به نظر شما هدف آنها و دلیل این تحرکات چیست؟



سلام زیجی: بله در ایران، فکر کنم تقریباً همه ی ما متوجه این تحرکات هستیم، و بخصوص با تعمیق کشمکش بین جامعه و جمهوری اسلامی این نوع اقدامات هم در سطح اپوزسیون سرعت بیشتر گرفته است. هر چند این موضوع، یعنی کشمکش بین شهروندان و نظام اسلامی يك

تاریخ چهل ساله دارد، اما در یکی دو سال اخیر به مرحله ی بحرانی تر و حادتری پا گذاشته است. از يك طرف اعتراضات گسترده ی جامعه و کارگران و زحمتکشان ضد فساد و فقر و همچنین زنان و جوانان اعتراضات خود را گسترده تر کرده اند، این از یکسو جمهوری اسلامی را در تنگنا و بحران عمیقتر قرار داده است، و از سوی دیگر کشمکش جمهوری اسلامی بر دیگر قدرتهای جهانی و کشورهای منطقه نیز وارد فاز جدیدتری شده است، که کم و بیش مایه روحیه گرفتن همین بخش از اپوزسیون شده و همزمان به درجاتی به زیان و به بیراه بردن و باز تر کردن دست رژیم در سرکوب معترضین منجر گردیده است. به مدت ۱۰-۱۵ سال است به نام توافق هسته ای فریبکاری کردند و مردم را سرکار گذاشتند و مشغول بودند، و به مردم معترض در داخل ایران رژیم میگفت که فعلاً در حال مذاکره با شیطان بزرگ هستیم و مشکلات بزرگتری داریم با این نام مردم را سرکوب میکرد و توجیهاتی برای سرکوب پیدا میکردند. و این جدال بعد از توافق با دولتهای غربی به جایی رسید که آمریکا يك طرفه از "برجام" بیرون آمد و درگیر های ترامپ و هیئت حاکمه امریکا برای گرفتن امتیازات بیشتر از جمهوری اسلامی حادث شد و همچنان ادامه دارد. و وقتی که جمهوری اسلامی در بعضی از ترورها و جنگ ها مانند خود آمریکا دست دارد در سوریه، عراق، لیبی، فلسطین و بسیاری از کشور های منطقه به مخاطره آمیزتر و

ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!

گفتگو با سلام زیجی و زاگرس ابراهیمی...

که حق کارگر و زحمتکش را نمیدهد و خط فقر به ابعاد ۷-۸ میلیونی رسیده است، فقر، اعتیاد، تن فروشی، کودکان کار و... به گفته ی آمار های خود جمهوری اسلامی به ۲ تا ۶ میلیون رسیده است. در ایران الان فقط ۵ میلیون پرونده قضایی در جریان است، یعنی اگر حساب کنیم در هر خانواده یک نفر در دادگاه های جمهوری اسلامی درگیر است جمعاً قریب به ۵۰ میلیون انسان به نوعی با سیستم در عاک جدال قضائی است! . میخواهم بگویم که این بحرانی که در ایران وجود دارد احزاب راست رو چه شونیسیم فارس چه احزاب ناسیونالیسم کورد یا جنبش های دیگر بورژوائی هیچوقت به آزادیخواهی جنبش ها و مردم پشت نیسته اند بلکه از این روند های سیاسی/اجتماعی برای پیشبرد اهداف خود و سواستفاده از آن ها عمل کرده اند.

این تحركات دقیقاً به این منظور تشکیل شده که شاید بتوانند در آینده اگر جمهوری اسلامی به طرف سرنگونی رفت آن ها سر کار بیایند چه شونیسیم فارس و ولیعهد شان باشد یا جریانات دیگر این طبقه، ولی همچنان زندان باقی بماند، ارتش باقی بماند سپاه پاسداران و دستگاه سرکوب بماند، اعدام بماند، نابرابری زن و مرد و سرکوب زحمتکش و کارگر بماند، زن هر چند شاید کمی آزاد تر شود اما همچنان نابرابری بین زن و مرد بماند، و تمام قوانینی که در زمان شاه تا خمینی به شریعت شیعه نوشته شده است کماکان ادامه پیدا کند، و کمی تغییرات جزئی رخ بدهد. و ما امیدواریم این پروژه شکست بخورد و باید آن ها را به طرف شکست ببریم. سرنگونی جمهوری اسلامی نباید به جایی برسد که یک جریان سیاه چه از اپوزیسیون باشد یا نه با لباس شونیسیتی ملی گرایی جانشین آن بشود. ما تلاش میکنیم به سرانجام نرسد و سرنگونی جمهوری اسلامی مستقیماً باید به معنی رسیدن به آزادی و خوشبختی جامعه باشد و انسان ها در یک موقعیت برابر در همه ی ابعاد زندگی قرار بگیرند و به حقوق اولیه ی خود دست یابند.

← ادامه

همین احزاب تعدادی کنفرانس گرفتند که خود آمریکا آن را تشکیل داد و همه ی این احزاب شرکت داشتند و در رأس این جریانات ناسیونالیستی و شونیسیتی پسر محمد رضا پهلوی "ولیعهد" وجود دارد، که شورای ملی ایرانیان را تشکیل دادند بعد از آن مجموعه ای از کنفرانس ها را ارائه کردند و یک برنامه ی جدید دیگری سازمان دادند به نام "فخنوس" که زیر گویا با جمع آوری "متخصصین" میتوانند قدم به سوی پیشرفت جامعه و یا سرنگونی جمهوری اسلامی بردارند و جنبش های اپوزیسیونی علمی و فرهنگی تشکیل دهند. اخیراً بخشی از اینها دوباره "شورای راهبردی گذر از جمهوری اسلامی" تشکیل داده اند مانند حزب مشروطه ایران حزب سکولار دموکرات ایران، و تلاش میکنند که ظاهراً از بیرون با استفاده از مردم و جنبش های آزادیخواهانه و در سایه هارت و پورت ترامپ و غیره خود را به حکومت برسانند. واقعیت این است آن ها مانند جمهوری اسلامی از این بدشان میاید که مردم قیام کنند و با آگاهی و اتحاد انقلاب کنند. اما تا زمانی که اعتراضات مردم آهرم فشاری برای جمهوری اسلامی باشد این جریانات از اعتراضات حمایت میکنند که این جریانات از راه آمریکا و سیاست های آمریکا، که به نظر من یک سیاست بسیار ضد انسانی بر ضد مبارزه آزادیخواه و کارگران در پیش گرفته است، برعکس دیدگاهی که آمریکا را راه نجات و مسیری برای سرنگونی جمهوری اسلامی می داند، همه ی سیاست های آمریکا در این چهل سرپا ننگ داشتن جمهوری اسلامی بوده است به قول معروف اگر از یک طرف برای گرفتن امتیاز و کوتاه کردن دست ایران از سوریه و محافظت از منافع آمریکا در منطقه به ایران سبلی زده از یک طرف دیگر همزمان پشتش را گرفته که بدست کارگران و مردم متنفر سرگون نگرند، و جنبش های آزادیخواه و چپ حکومت را بدست بگیرند. و اگر قرار باشد جمهوری اسلامی هم سرنگون شود حکومت بعدی باید باب طبع آمریکا باشد و سیاست های آن زیر نظر آمریکا باشد و همانند الان که میبینم آمریکا در عراق تعیین کننده ی حکومت است در ایران هم در حکومت بعدی آمریکا بتواند از ثروت و منابع ایران سواستفاده کند و از منافع آمریکا هم محافظت کند.

خلاصه عرض کنم که دلیل تحركات اخیر امید داشتن به سناریویی است که ترامپ و دولت آمریکا در پیش گرفته است که ممکن است در چهار چوبه تهدید به جنگ با رژیم چینج و تکرار سناریوی عراق که بسیار خطرناک است با آمریکا ارتباط میگیرند و سیاست هایی را در پیش میگیرند مانند محاصره ی اقتصادی و بحرانهای ضد آزادیخواهان درست میکنند تا بتوانند به هر قیمتی شده است بعد از جمهوری اسلامی دوباره نظام آینده کشور بدست سرمایه داران و طرفداران نر سالاری و ملی گرای و یک سیستم تماماً ضد کارگری و ضد آزادی و برابری و رفاه همگانی باشد. ما و هر کارگر و شهروند آزاده ای باید جلو اینها و سیاستهایشان را بگیرد! همانطور که قبلاً اشاره کردم حتی سیاست آمریکا در رابطه با محاصره ی اقتصادی که بسیار ضد انسانی است اتفاقاً به جمهوری اسلامی کمک کرده است که خودش را در حکومت ننگه دارد، جمهوری اسلامی چهل سال است که خود را سا کارگران و اکثریت جامعه را محاصره اقتصادی کرده است، چهل سال است



iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org



حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است. در هر جایی که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید، و فعالیت متشکل و متحد به منظور به یروزی رساندن صف آزادی و برابری و سوسیالیسم مبارزه خود را آغاز کنید و با حزب تماس برقرار نمانید.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

گفتگو با سلام زیجی و زاگرس ابراهیمی...

ناصر زیجی: رفیق زاگرس بعضی از احزاب کرد ناسیونالیست نیز در همین رابطه در حال تحرکات هستند. اخیرا کنفرانسی در آلمان برگزار کردند و از فدرالیسم قمی به عنوان "آلترناتیو" دفاع کردند. نظر شما درباره ی این تحرکات و احزاب کرد ناسیونالیست چیست؟

زاگرس ابراهیمی: در وهله ی اول

میخواهم که به مسئله ی مهمی اشاره کنم که اپوزیسیون ایران به طور کلی در بحران رهبری که بحران بزرگی است به سر میبرد به این دلیل که یک حزب یا ائتلاف های چند حزبی وجود ندارد که توانایی رهبری کردن اعتراضات های مردمی را داشته باشد. به



طور مثال همانطور که همه ما شاهد هستیم جامعه ایران از مردم ها منتسب به خلق بلوچ، عرب، آذری و فارس تشکیل شده است، و در این میان هر فردی به طور مستقل یک حزب برای یک منطقه ی قومی مورد نظر خ تشکیل داده است و چهارچوبه ی کاری خود را در این مناطق میبندد. به طور مثال احزاب کردستان ایران چهارچوبه ی فعالیت خود را در مناطق کردستان میبندد به این معنی که میخواهند همانطور که خودشان همیشه اشاره میکنند فقط کرد به حقوق خودش برسد و دیگر کاری به بلوچ هزار ها کیلومتر آن طرف تر تا الان شناسنامه ندارد یا عرب در جنوب ایران در اوج فقر زندگی میکنند و همین دلایل باعث شده که شورش ها و اپوزیسیون ایران به طور کلی داری یک حزب یا ائتلاف برای رهبری کردن یک انقلاب سراسری نباشد حالا چه یک حزب باشد چه از احزاب مختلف تشکیل شده باشد و همین باعث شده که احزاب راست ایران به خصوص احزاب کردستان ایران به دنبال یک آلترناتیو برای جمهوری اسلامی بسازند که این آلترناتیو از جهتی که ما مطلع هستیم دو حزب اصلی در آن دخیل هستند. مانند احزاب راست رو ایران که اولی مجاهدین خلق و دومی سلطنت طلب ها، مجاهدین خلق که تاریخ بخصوص برای خودش دارد و در جامعه ی ایران هیچ جایگاه مردمی و اجتماعی ندارد که مردم از این حزب پشتیبانی کنند و احتمال این اصلا وجود ندارد که بتواند از طریق مردم حکومت را به دست بگیرد. به طوری کلی بخواهم حرف بزیم هیچ مشروعیتی در جامعه ی ایران ندارند. الان اگر طرف غربی یا کشوری مانند آمریکا از آن ها پشتیبانی بکند و همانطور که رفیق سلام عرض کردند یک سناریوی سیاه بسازند و حکومت را به دست بگیرند یک بحث دیگر است. اما از طرفی که ما مطلع هستیم و خود حزب سوسیالیست انقلابی در این بابت تحقیق کرده است که شهر های بزرگ ایران به خصوص به دلیل اینکه الان احزاب چپ به دلیل مشکلات داخلی و پارچه پارچه بودن نتوانسته اند نقشی که باید در ایران داشته باشند را ایفا کنند و این خلاء که از طرف احزاب چپ درست شد باعث این شد که پادشاهی خواهان یا به قول معروف سلطنت طلب ها جایگاه اجتماعی خود را در شهر

های مرکزی ایران قدرتمند بکنند و احزاب راست کردستان ایران هم وقتی که این واقعیت را دیدند گفتند تنها آلترناتیوی که میتواند جایگزین جمهوری اسلامی باشد و غرب و آمریکا از آنها پشتیبانی میکنند و حکومت ایران را به دست میگیرد ولیعهد است و این تنها گزینه است و ناچار هستیم از آن پشتیبانی کنیم و همین باعث شد که بعضی از احزاب کردستان ایران پشتیبانی خود را از رضا پهلوی اعلام کنند.

این ها حرف هایی است که طرف فارس زبان قضیه پخش کرده است که پشتیبانی حدکا و به قول خودشان جناح مهتدی از این مسئله است که رضا پهلوی به قدرت برسد و در آینده بعضی امتیازات، حقوق و مزایا به این احزاب بدهد اما خود این احزاب هیچ حرفی در این مورد پخش نکرده اند. اما در اصل این قضیه ها و اهدافی که این احزاب دنبال میکنند چند هدف وجود دارد ما نمیتوانیم روی این تمرکز کنیم که اولین یا آخرین هدف آن ها سرنگونی جمهوری اسلامی است. اما به نظر من شخصیت رضا پهلوی و شخصیت سیاسی رضا پهلوی یک شخصیت مبارز نیست که بتواند بحرانی که در مورد آن حرف زدیم و اپوزیسیون ایران درگیر آن است و بتواند انقلابی را به عهده بگیرد و آن را به هدف برساند هر چند جلسه و توافق و... داشته باشند به نظر من به هدف نمیرسد و این احزاب برای خودش هم به یک اشتباه بزرگ دچار میشوند. مسئله ی دیگر این بود که به طور روشن اگر صحبت کنیم احزاب کردستان ایران از سال ۲۰۱۲ از نظر مادی و اقتصادی دچار بحران های زیادی شده اند و مسئله ی خارج شدن آمریکا از برجام و ایجاد یک اتحاد ضد ایرانی از طرف آمریکا و عربستان و اسرائیل و امارت و برخی دیگر از کشورهای منطقه باعث این شد که این دولت ها مقدار زیادی پول برای فشار آوردن به جمهوری اسلامی چه از طریق برجام، محاصره اقتصادی و چه از طریق احزاب راست اپوزیسیون خرج کردند که تهدیدی برای ایران ایجاد کنند که از این طریق دخالت های منطقه ای جمهوری اسلامی در منطقه را به اتمام برسانند یا کم کنند این تبدیل به فرصتی برای احزابی شد که درگیر بحران اقتصادی که با آن از سال ۲۰۱۲ درگیر آن شدند در این یک دو سال اخیر جبران کنند و از پول و امتیازات این کشور ها استفاده کنند. اما اقدامات عملی این احزاب همه ی جهان شاهد است و تمام کسانی که به دنبال اخبار سیاسی منطقه ای هستند میدانند که بعضی از احزاب کردستان ایران به کوهستان های مرزی ایران روی آوردند به خصوص حدکا پروژه ای به نام راسان(دوباره بلند شدن) را شروع کرد که ما دوباره مبارزه را زنده میکنیم و مبارزه کوهستان و شهر را به هم گره میزنیم از دیدگاه آن ها این پروژه موفق بوده است اما ما همیشه باید از واقعیات حرف بزیم آیا این پروژه و آرزو آن ها میتواند به هدف برسد من همیشه این حرف را زده ام سیاست با آرزو و رویا پیش نمیرود ما میخواهیم جمهوری اسلامی سرنگون شود اما آیا با این امکاناتی که در دست ماست با موقعیتی که جمهوری اسلامی در منطقه داراست و با موقعیتی که احزاب در آن قرار دارند میتوانیم جمهوری اسلامی را اکنون سرنگون کنیم؟ ما باید واقع مسئله و جمهوری اسلامی را ببینیم. جمهوری اسلامی و چهارچوبه ی قدرت آن را به درستی

ادامه ←

گفتگو با سلام زیجی و زاگرس ابراهیمی...

حقوق "خلق خود" تلاش کنند و در اصل با چهارچوبه ی قومی ساخته شده اند، و از نظر خودشان تنها راه حل پایان ظلم و ستم ملی در چهارچوبه ی ایران این است که سیستم فدرالی در ایران اجرا شود. ما از نظر سیاسی مطلع هستیم که نه شهروندان کرد زبان، آذری، عرب و بلکه حتی فارس زبان هم در ایران مورد ظلم قرار میگیرند در دو حکومت قبل و الان زیر ستم قرار گرفته اند، این درست نیست که تنها بگوییم "خلق کرد" یا عرب و آذری دچار ظلم و ستم شده اند همه ی مردم ایران در چهارچوبه این حکومت سرکوبگر دچار ظلم و ستم است. اما در بعد سیستم فدرالی وقتی حرف از سیستم فدرالی به میان می آید میخواهند مرزهایی را بر اساس قومیت تقسیم کنند و هر قومیتی مرز مخصوص به خود را داشته باشد، و با این به ظاهر راه حل آن ها هم میتواند به قدرت برسند و اهداف شخصی و جنبشی و سازمانی خود را پیش ببرند و هم به راه حل مشکل ملی دست پیدا کنند. ولی از نظر من این هم مانند کار های قبلی يك اشتباه بزرگ است. ما حزب سوسیالیست انقلابی ایران دشمنی با هیچ حزب کردستانی و غیر کردستانی ملیگرا یا به طور کلی ناسیونالیست ایران نداریم، جنگ ما جنگ تفکر و جنگ راه حل های متفاوت است. هر چیزی به نفع اکثریت مردم ایران باشد انجام میدهیم و آن را درست میبینیم اگر سیستم فدرالی به نفع مردم ایران باشد، که ابدا نیست!، ما از طرف حزب سوسیالیست انقلابی از آن پشتیبانی می کردیم اما ما این سیستم را دلیلی برای درست شدن جنگ و جدال بی پایان چند کرکوک دیگر در ایران میبینیم، همانطور که شاهد هستیم در کرکوک اقلیم کردستان عراق تا الان بر سر آن خون ریخته میشود .

و باعث این شده که گرد عرب بکشد و عرب گرد را بکشد و ترکمن ها گرد و عرب بکشند و باعث دشمنی و اختلاف زیادی در بین مردم عراق شده است. شهری که یکی میگوید متعلق به مرزهای من در کردستان است و عراق میگوید نه این خاک من و حوضه ی قدرت من است وقتی که جغرافیای ایران را میبینیم شاهد هستیم همین احزابی که خواهان سیستم فدرالی در ایران هستند مانند حزب تضامن دموکراتیک اهواز که حزب دموکرات کردستان ایران هم یکی از هم پیمانان این حزب است با همراهی چند حزب دیگر خواهان سیستم فدرالی هستند حزب تضامن دموکراتیک اهواز خواهان استان ایلام است و آن را جزو خاک خود میدانند و باید در آینده ی ایران اگر دولت الاهواز درست شود ما مالک این خاک هستیم از يك طرف دیگر گرد استان ایلام و کرمانشاه را از شهر های بزرگ و استراتژیکی خود میدانند و اگر به مناطق شمال غربی ایران توجه کنیم مناطق ارومیه احزاب آذری را مشاهده میکنیم، به نظر احزاب ناسیونالیست در ایران باعث بزرگترین خونریزی در تاریخ ایران خواهد شد احزاب آذری از مناطق جوانرود و روانسر تا مناطق باینگان را چهارچوبه ی خاکی خود میبینند در حالی که مشاهده میکنیم استان ها همه از اقوام مختلف هستند مثلاً در ایلام لر وجود دارد فارس وجود ما نمیتوانیم يك مرز مشخص شده طبق سیستم فدرالی ایران درست کنیم و يك دلیل برای جنگ و خونریزی در ایران نباشد این سیستم صد در صد از دید ما

بشناسیم. بعد طبق اطلاعاتی که داریم تلاش کنیم که راه درست واقع بینانه ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی پیدا کنیم. اما همانطور که ما شاهدیم جمهوری اسلامی به مذاقمان خوش بیاید یا نه دخالت هایش در منطقه تا یمن سوریه و عراق رسیده و در همه ی این کشور ها قدرت دارد در احزاب اقلیم کردستان و عراق هم مانند آمریکایی ها قدرت دارند یعنی دو کشور هستند که عراق را زیر سلطه ی خودشان قرار داده اند. همین باعث برداشت اشتباه احزاب از جمهوری اسلامی شده است اگر طرف دیگر قضیه را هم در نظر بگیریم که احزاب واقعبین جمهوری اسلامی را درک کرده اند پس چرا به این کارها دست زده اند برمیگردد به مسائل مالی که قبلاً عرض کردم اما به طور کلی بخواهم خیلی کوتاه توضیح دهم رفتار این احزاب و پروژه ی راسان نشان دهنده ی این است که واقعبین جمهوری اسلامی در منطقه را درک نکرده اند، و همین باعث شکست این پروژه و تلاش هایی میشود که احزاب داشته اند. همانطور که شاهد هستیم که چند ماه پیش جمهوری اسلامی با موشک به آن ها حمله کرد چندین نفر از آن ها را ترو کرد جلوی چشم تمام کشور های جهان و کسی هم حرفی نزد و این احزاب را سرکوب کرد و ما تا الان مشاهده کردیم که تا الان هیچ مبارزه ی مسلحی از طرف این احزاب ضد جمهوری اسلامی صورت نگرفته اگر درگیری هم وجود داشته جرأت به عهده گرفتن آن را نداشته اند، همانطور که شاهدیم اخیراً دو درگیری رخ داد که کسی حاضر نشد مانند قبلاً آن را به عهده بگیرد این خواندن واقعبین منطقه است و خواندن واقعبین جمهوری اسلامی است، ما باید همراه با واقعبینان قدم برداریم، به نظر من این ائتلافی که با رضا پهلوی تشکیل داده اند و پروژه ی راسان که گرد تنها بتواند مناطق مرزی ایران را به دست بگیرد در انتها بی هدف و نتیجه خواهد ماند.

ناصر زیجی: خیلی ممنون رفیق زاگرس، دوستان عزیز سؤال آخرم از هر دوی شماست، رفیق زاگرس لطفاً اول شما جواب بدهد، در این بین دو موضوع مهم وجود دارد، از يك طرف شوونیست های فارس با رهبری ولیعهد از یکپارچگی ایران، همراه شدن با سپاه پاسداران و گفتگو با اپوزیسیون سخن میگویند و میخواهند تاج و تخت پادشاهی را به ایران برگردانند و حکومت را به دست بگیرند از يك طرف دیگر احزاب ناسیونالیست با بحث در مورد سیستم فدرالیسم و پافشاری روی این سیستم بتوانند در آینده ایران نقشی داشته باشند و قدرت را به دست بگیرند، سؤال من دقیقاً این است که آیا از راه سیستم فدرالی میتوان ظلم و ستم ملی را از بین برد؟ سیاست حزب سوسیالیست انقلابی ایران برای حل مشکل ملی در ایران چیست؟

زاگرس ابراهیمی: اول باید بدانیم چه احزابی خواهان سیستم فدرالی در ایران هستند. این احزابی که ما شاهد هستیم يك کنگره با شرکت احزابی که خواهان سیستم فدرالی هستند تشکیل دادند. که این احزاب میخواهند در چهارچوبه ی ایران بمانند اما به طور مثال برای بلوچ یا احزاب آذری و کرد برای الحاق

گفتگو با سلام زیجی و زاگرس ابراهیمی...

است فرمالیته است و مردم از آن‌ها متنفر است و از نظر مردم يك مشت مفت خور هستند و از این عبور کرده اند و سیستم‌هایی دیگری دارند و اطلاعاتی که این احزاب به مردم برای توجیه سیاست‌های خودشان می‌دهند بسیار نادرست و غیر واقعی است. تا جایی که به ایران مربوط می‌شود طرح فدرالیسم بر پایه‌ی احزاب بورژوازی و ناسیونالیست کوردی احزاب بورژوازی عرب بلوچ و فاشیسم ترک است که پشت این طرح ایستاده اند و معاملاتی با رضا پهلوی دارند. رضا پهلوی هم همانطور که در ابتدا اشاره کردم طرفدار تمامیت ارضی کشور هستند و می‌خواهند با فدرالیسم، جریانات اسلامی یا سلطنت طلبی زیر نام شونیسم فارس و تحت نام تمامیت عرضی کل حاکمیت را حفظ کنند اما سیستم جمهوری اسلامی تغییر یا کنار گذاشته شود. اما ارتش تبدیل به سپاه شاهنشاهی شود سپاه پاسداران سربند خود را به جای الله اکبر پرچ شیر و خورشید را تبدیل می‌کند و بقیه‌ی سیستم سر جای خودش است.

منظورم این است که سیستم سرمایه داری پا برجا است و در گوشه‌ای هم تناسب قوا هم ایجاد می‌کند مثلاً مسئول کلانتری می‌رود را به آقای عبدالله مهندي بدهند یا مسئول کلانتریمه‌آباد را به آقای مصطفی هجری بدهند یا شهرداری را به فلان جریان در خوزستان که به نام فدرالیسم عمل می‌کند و ظاهراً این دو ناسیونالیسم متناقض می‌خواهند در گوشه‌ای در راستای تقسیم قدرتی و اقتصاد و ادارات بین طبقه بورژوازی خود به توافق برسند. در صحبت‌هایم به این اشاره کردم که باید این پروژه شکست بخورد و این هیچ نفعی برای جامعه ندارد بر عکس یک سم آلوده و کشنده برای زندگی انسانی همه شهروندان خواهد بود. در نتیجه اینجا می‌خواهم مستقیماً به سوال شما پاسخ بدهم که گفتید آیا فدرالیسم مشکل ملی را حل خواهد کرد؟ به هیچ عنوان نه فقط حل نمی‌کند بلکه دائمی‌تر و بغرنج‌تر و درد آورتر خواهد کرد.

توضیحات من به اندازه کافی روشن است در این باره. این احزاب به دنبال حل مشکل ملی در ایران نیستند. بلکه ستم ملی را واسته و بهانه کرده اند برای رسیدن به قدرت معین دیگری. در همسایگی ما عراق است که ۲۵ سال نشان دادند مشکل "کورد" مشکل "ترکمن" و "عرب" نمیتواند زیر سایه‌ی فدرالیسم حل شود. ما می‌بینیم در عراق فدرالیسم یعنی کشتار، یعنی جنایت، یعنی فساد، یعنی دزدی، و نتوانسته "مسئله‌ی قومی و ملی" در عراق اصلاً حل نشده است. هر کس خودش را از طریق يك قومیت و يك ملیت به این بهانه می‌خواهند از دولت مرکزی "مرکز زدایی" بکنند در حالی که تمرکز زدایی یعنی اینکه فقط يك دولت در تهران نباشد اما در مقابل پنج و شش دولت مشابه در ایران درست شود به نام فدرالی و ایالات. و مسئله این است که از نظر حق شهروندی اگر قرار است ظلم و ستم و سیستم در جای خودش باقی بماند چه فرقی می‌کند که مرکزیت در تهران باشد یا آن مرکزیت را به چند شعبه "ترک" و "فارس" و "بلوچ" و... تقسیم کنید؟! به طور مثال نگهبان زندان فارس یا کرد باشد چه فرقی به حال مردم کارگر و آزادیخواه که برای آزادی برابر خوشبختی تلاش می‌کند؟ در نتیجه از بعد تمرکز زدایی هم ادعای فدرالیست چیه فریبکارانه و بیربط به تأمین حقوق واقعی شهروندان است. غیر واقعی است و هیچ منفعتی برای مردم ندارد. آیا ستم ملی را ریشه می‌کند

ادامه ←

باعث خانه خرابی و ویرانی و خونریزی در مناطق مختلف ایران خواهد شد و ما به تنهایی مخالفت خود را ضد این سیستم اعلام کرده ایم اما راه حل حزب سوسیالیست انقلابی برای حل مشکل ملی که بیشتر از صد سال است طول میکشد تنها راه حل به دست گرفتن حکومت از طرف يك سیستم سوسیالیستی واقعی است نه از ظاهر سوسیالیسم باشد بلکه در باطن هم باید دستورات و مقررات سوسیالیستی را جای داده باشد و حل مشکل بلوچی که شناسنامه ندارد عربی که در فقر زندگی میکند کردی که خواهان زبان و لباس مادری در برنامه کاری خود داشته باشد که این مردم دیگر این ظلم و ستم را احساس نکنند و حس کنند ایران کشور آن‌ها هم هست و نابرابری و ناعادالتی را ریشه کن کند و همه‌ی مردم ایران به حقوق خود دست یابند. اما اگر تمام احتمالات را در نظر بگیریم. و يك سیستم سوسیالیستی سر کار نیامد و سناریوی سپاه دوباره تکرار شد و با پشتیبانی غرب و کشور های منطقه توانستند کسانی مانند مجاهدین خلق و رضا پهلوی را روی کار بیاورند ما این را ظلم و ستم بدر حق تمام مردم ایران خواهیم دید و در این موقعیت ما به خواسته های مردم مراجعه می‌کنیم رفراندمی برگزار می‌کنیم و از رأی مردم هر چه باشد پشتیبانی می‌کنیم در ایران در مناطق کردستان ایران اگر خواهان جدایی و استقلال بود ما هم مانند حزب سوسیالیست انقلابی ایران از این پشتیبانی خواهیم کرد و مبارزه‌ی خود را در چهارچوبه‌ی استقلال ادامه می‌دهیم.

ناصر زیجی: رفیق سلام همین سؤال را از شما می‌پرسم سیاست حزب سوسیالیست انقلابی در قبال طرح فدرالیسم احزاب ناسیونالیست، و حل مشکل ملی چیست؟

سلام زیجی: بحث فدرالیسم تاریخ خودش را دارد که يك برنامه‌ی جداگانه لازم دارد تا درباره‌ی این صحبت کنیم که چرا طرفداران فدرالیسم در ایران و احزاب فدرالیسم به دنبال چه چیزی هستند و چرا این موضع را پیش گرفته اند. در تاریخ ایران از زمان هخامنشی گرفته تا میرسد به امثال محسن رضایی و مسئولان جمهوری اسلامی که بحث از فدرالیسم اقتصادی را به میان می‌آورند ریشه‌ی همه‌ی این‌ها نه در دستیابی به آزادی و برابری معینی بلکه برای شراکت در قدرت و اقتصاد و سهم خواهی معینی بوده و هست و موضوع سر حل مشکل ملی و قومی نیست، و این بحث اصلاً ربطی به تاریخی که احزاب فدرالیسم داشته اند ندارد، و بعضی از طرفداران فدرالیسم موضع خوب بودن فدرالیسم را به تجربه کشورهای اروپایی و آمریکا نسبت می‌دهند که در آلمان، آمریکا، کانادا و... فدرالیسم وجود دارد و چه اشکالی دارد!

اما این اطلاعات و داده از ریشه غلط است! اولاً موضوع تغییر و تحولات سیاسی ایران بسیار متفاوت است با نمونه‌هایی که مقایسه می‌کنند، و دوم اینکه هیچکدام از این نمونه‌ها در چهارچوبه‌ی قومیت نیست بلکه از بعد اداری آن است که حتی به نظر من فدرالیسم از نظر اداری هم در ایران جوابگو نیست، راه حل‌های بهتری وجود دارد. سلطنت طلب‌ها هم همین را می‌گویند که سیستم پادشاهی چرا بد است، سوئد و انگلستان هم همین نظام را اجرا می‌کنند در حالی که خود این نظامی که الان در اروپا حاکم

گفتگو با سلام زیجی و زاگرس ابراهیمی...

سپاه شاهنشاهی شود سپاه پاسداران سر بربند خود را به جای الله اکبر پرچ شیر و خورشید را تبدیل میکند و بقیه ی سیستم سر جای خودش است.

منظورم این است که سیستم سرمایه داری پا برجا است و در گوشه ای هم تناسب قوا هم ایجاد میکنند مثلاً مسئول کلانتری مریوان را به آقای عبدالله مهتدی بدهند یا مسئول کلانتری مهاباد را به آقای مصطفی هجری بدهند یا شهرداری وا به فلان جریان در خوزستان که به نام فدرالیزم عمل میکنند و ظاهراً این دو ناسیونالیسم متناقض میخوانند در گوشه ای در راستای تقسیم قدرتی و اقتصاد و ادارات بین طبقه بورژواهای خود به توافق برسند. در صحبت هایم به این اشاره کردم که باید این پروژه شکست بخورد و این هیچ نفعی برای جامعه ندارد بر عکس یک سم آلوده و کشنده برای زندگی انسانی همه شهروندان خواهد بود. در نتیجه اینجا میخوام مستقیماً به سوال شما پاسخ بدهم که گفتید آیا فدرالیزم مشکل ملی را حل خواهد کرد؟ به هیچ عنوان نه فقط حل نمیکند بلکه دائمی تر و بغرنجتر و در آورتر خواهد کرد.

توضیحات من به اندازه کافی روشن است در این باره. این احزاب به دنبال حل مشکل ملی در ایران نیستند. بلکه ستم ملی را واسته و بهانه کرده اند برای رسیدن به قدرت معین دیگری. در همسایگی ما عراق است که ۲۵ سال نشان دادند مشکل "کورد" مشکل "ترکمن" و "عرب" نمیتواند زیر سایه ی فدرالیزم حل شود. ما میبینیم در عراق فدرالیزم یعنی کشتار، یعنی جنایت، یعنی فساد، یعنی دزدی، و نتوانسته "مسئله ی قومی و ملی" در عراق اصلاً حل نشده است. هر کس خودش را از طریق یک قومیت و یک ملیت به این بهانه میخوانند از دولت مرکزی "تمرکز زدایی" بکنند در حالی که تمرکز زدایی یعنی اینکه فقط یک دولت در تهران نباشد اما در مقابل پنج و شش دولت مشابه در ایران درست شود به نام فدرالی و ایالات. و مسئله این است که از نظر حق شهروندی اگر قرار است ظلم و ستم و سیستم در جای خودش باقی بماند چه فرقی میکند که مرکزیت در تهران باشد یا آن مرکزیت را به چند شعبه "ترک" و "فارس" و "بلوچ" و... تقسیم کنید؟! به طور مثال نگهبان زندان فارس یا کرد باشد چه فرقی به حال مردم کارگر و آزادیخواه که برای آزادی برابری خوشبختی تلاش میکند؟ در نتیجه از بعد تمرکز زدا یی هم اداهای فدرالیست چیها فریبکارانه و بیربط به تامین حقوق واقعی شهروندان است. غیر واقعی است و هیچ منفعتی برای مردم ندارد. آیا ستم ملی را ریشه میکند این نوع بازی کردن تقسیم قدرت سرمایه داران و نمایندگان ناسونالیست و شونیست؟، گفتیم درست برعکس آنرا اتفاقاً بدتر خواهد کرد. اگر کسی ریکی به کفش ندارد و واقعا هدفش صرفاً رفع یک ستم خاص به اسم ستم ملی است دیگر پناه به این روشهای ضد انسانی و نمک لای زخم کردنها نمی برد!.

حل بنیادی ستم ملی و نظامی که ارتجاع دولتهای مرکزی و شونیسم و ناسیونالیسم به جامعه تحمیل کرده اند تنها و تنها دو راه برای پایان دادنش وجود دارد، به دو روش حل میشود، اولی که رفیق زاگرس هم اشاره کردند یک سیستم آزادیخواه برابر

باشد، یا حتی میتواند یک سیستم بورژوازی هم در مواردی باشد، حداقل تمدنی باشد که دیگر آن فساد شونیسم ایرانی و اسلامی که نزدیک به دو قرن است دولت های جنایتکار مردم را سرکوب میکنند و اجازه نمیدهند مردم به زبان مادری خودشان درس بخوانند و یا فعالیتهای مورد نظر خود را داشته باشند و رفت آمد کنند، تکرار نکنند. یک دولت بورژوازی میتواند به یک طریقی این را نه تماماً، بخشا حتی حل کند برای منفعت سیستم و سرمایه خودش هم شده این مشکل را در درون خود حل و فصل نماید. اما این در ایران بعید است، با اپوزیسیون و حکومتی که ما از آن شناخت داریم، نمیتوانند این امر را به درستی حل کنند و در آینده هم نمیتوانند. چه سیاست تمامیت ارضی خواهی بورژوازی و شونیسم حاکم و چه فدرالیسم قومی بورژوازی و ناسیونالیسم در "اقلیت" این دو سیاست و "راه حل" در آستین داشته باشند این معضل را ریشه دارتر و درد آورتر میکنند. تا وقتی که کلمات ارتجاعی "تمامیت ارضی" و "فدرالیسم" در میدان سیاست و مدیا در جریان باشد مشکل ملی در زندگی و ذهن مردم باقی خواهد ماند، حتی اگر آنها به هر زندقه بندی هم قدرت را در دست بگیرند. در ایران موقعیت زندگی و رابطه مردم متناسب به ملیتهای مختلف با همدیگر بی اندازه فرق دارد حتی با عراق و جاهای دیگر. جامعه ای در بعد میلیون ها میلیون انسان روابط شخصی و خانوادگی دارند، جامعه ای که باهم یک حکومت را سرنگون کردند، "حکومت پادشاهی"، ا هم چهل سال است از همه ی بعد ها با جمهوری اسلامی مبارزه میکنند، جامعه ای است که کارگر از تهران تا آن سر کردستان گرفته منفعت جدا از هم ندارند، مانند هم سرکوب میشوند، مانند هم حقوق شان را دریافت نمیکند، و اجازه فعالیت نمیدهند، برای زنان هم همینطور... میخوام این را بگویم فدرالیزم چی ها این ادعا را مطرح میکند که مردم کردستان چشم و گوش خود را نسبت به این مسائل و غیر واقعی بودن طرح فدرالیسم قومی آقایان به عنوان راه حل غلط ببندند، اما فقط به یک موضوع فکر کنید، یک موضوع خرافی، موضوعی که میشود از یک راه انسانی تر حل شود، که بله ما مورد ظلم ملی قرار گرفته ایم، بله ظلم "ملی" هم شده است، اما راهی که عالیجنابان طرفدار فدرالیسم تعقیب میکنند این موضوع را حل نمیکند، همانطور که توضیح دادم ایران را به یک دریای خون تبدیل میکند.

در ایران حدود دوازده شهر به غیر از تهران و تبریز و شهر های بزرگ به میلیون ها "تورک" و "کرد"، آن هایی که نام ملت های جدا جدا روی خود گذاشته اند، زندگی میکنند بخشی از شهرها به طور کلی قابل تقسیم نیستند. از تکاب گرفته تا بخش هایی از شاهین دژ رضاییه نقده و خیلی از شهر های دیگر که این قابل اجرا نیست. یادم است که جمهوری اسلامی و حزب دموکرات در بخشی از این شهر ها جنگ راه انداخت اند و تعداد زیادی از مردم در این جنگ کشته شدند. در رضاییه، شاهین دژ، نقده، در تکاب داستان قارنا و قلاتان اگر مردم آن را شنیده باشند در نتیجه ی این جنگ ویران کننده میان "کرد و ترک" بود و دو جبهه ی ارتجاعی آنرا به مردم تحمیل کردند. در ایران هیچ تردیدی نیست که سیستم فدرالی در ایران شکست خواهد خورد. یک جریان فاشیت ترک وجود دارد که گفته بوکان و مهاباد مال آذربایجان یا به قول خودشان ترکستان است، و همانطور که رفیق زاگرس توضیح دادند در مناطق شمالی و جنوبی ایران هم این مشکل وجود دارد و این ادعا را دارند ایا

ادامه ←

رفراندم حل میکند

گفتگو با سلام زیجی و زاگرس ابراهیمی...

راه حل های شونیستی و پادشاهی و شیعیه گری و جمهوری اسلامی که همواره با زبان ارتش و سرکوب و بالا دست بودن پاسخ داده اند، راه حل نیست، جنایت عریان است! راه حل متقابل ناسیونالیسم هم راه حل نیست، خفت و شکست و حلقه بگوشی و معامله به مردم و سرنوشت آنها و تلاش برای بقدرت رسیدن حقیرانه یک قشر بورژوا و احزاب معینی در پوشش "خلق"، و "ملت" و "لیاس و فرهنگ و زبان ملی" و غیره است. هر کسی حرف از ملت و تحریک احساسات قومی من و شما را مبنای فعالیتش گذاشته است بدانید این برای حل مسئله کرد نیست، برای یک دکان سیاسی و منفعت اقتصادی یک قشر دیگری است، میخوانند من و تو را به پلکان تبدیل کنند برای رسیدن به حکومت و قدرت خود و جنبش و حزیش. دقیقاً مانند کردستان عراق! همانطور که مبینیم کردستان عراق -۲۸ سال است که تحت حاکمیت فاشیست عرب قرار ندارد، فدرالی نیز است و هنوز هم دعوا بر سر کرکوک و مخمور و خانقین و خیلی مناطق و مسائل دیگر در جریان است، اما با این وجود هم دولت و هم سرمایه دار و هم کارگر مزد بگیر و کودک واکس زن زیر گرمای شدید و هم زندان و زندان بان و هم لباس و زبان و آموزش و پرورش همه اش "کردی" است. آیا اکثریت شهروندان آن مملکت فکر میکنند آزاد شده اند؟ فکر میکنند چون لباس و فرهنگ و ارتش و زندان و قتل ناموسی هایشان و ترور روزنامه نگارانشان نیز "کردی" شده است، احساس غرور و انسانیت میکنند؟ معلوم است که نه! نابرابری و فقر و بدبختی و کشتن زنان که آمار قتل زنان در شهر سلیمانیه و اطرافش تا چند سال پیش به اندازه ی همه ی ایران بوده، ایران ۸۰ میلیونی زیر سایه ی جمهوری اسلامی، اما در یک شهر کرد نشین یک میلیونی و خورده ای در عراق به اندازه ایران قتل زنان در آن اتفاق می افتد، این نشان دهنده ی این است که آزادی و عدالت و حرمت انسانی وجود ندارد، پس نباید فریب این را بخوریم که گویا "کردایی" همه موجودیت و هدف انسان است؟ این پروپاگندا، اگر ناگاه و ساده لوح نباشیم، برای کسانی ببرد میخورد که با این اسم به تخت و تاج و ثروت خود میرسند و شهروندان تهدیدست را نیز در این راه قربانی کرده و خواهند کرد.

بله ما این را به رسمیت میشناسیم که دو دولت جنایت کار یک قرن است در حال سرکوب ستم کردن هستند و یک زبان و جنبش بورژوا-شونیسم قدرت را به دست میگیرد و بقیه را سرکوب میکنند. و اتفاقاً انقلابی ترین احزاب ما احزاب سوسیالیست و کمونیست و کارگری هستیم در ایران که همواره خواهان حل فوری ستم ملی و پایان دادن به جنایت و ستم دو نظام فاشیستی پهلوی و اسلامی بوده و هستیم. و الان هم سیاست ما این است و همچنان به این مبارزه ادامه خواهیم داد و خنثی کردن سم فدرالیسم خود یکی از تلاشهای مهم برای رسیدن به رفع ستم ملی و مشخصاً حل مساله کرد در ایران و منطقه است. فدرالیسم و ماهیت فدرالیسم یک سیستمی ارتجاعی و پرمعضل است و ما میخوانیم مردم آزادیخواه، از جمله شهروندان کرد زبان، با قدرت علیه آن بایستند. فدرالیسم آینده ای بسیار سیاه برای مردم ایران و به خصوص شهروندان کرد زبان به همراه دارد. هیچ مشکلی از طریق فدرالیسم حل نخواهد شد! احزابی که خواهان فدرالیسم هستند مانند جمهوری اسلامی ضد آزادی و ضد برابری واقعی در جامعه هستند.

ادامه

یا فردا طرفداران فدرالیسم حاضر هستند که به رأی مردم احترام بگذارند، ابد!، آن ها حتی حاضر هستند در یک شهر چند نفر را آموزش بدهند دو نفر یا زن و بچه را از طرف مقابل بکشند و احساسات مردم را خدشه دار کنند و جنگی درست کنند که معلوم نیست انتهای آن کی است و این هم به بهانه ای برای دولت مرکزی که ظاهراً تمرکز زدایی کرده است تبدیل شده و دوباره قشون کشی کنند.

کینه و تنفر و عقب ماندگی و برخورد تحقیر آمیز و نابرابر به "ملت" مقابل محصول تنفر و عملکرد واقعی جامعه و شهروندان نبوده و نیست!، محصول همین سیستم و عملکرد ضد انسانی جامعه بورژوائی و حامیان ریز و درشت آن بوده و هست، که از سیستم شاهنشاهی تا جمهوری اسلامی و از فاشیسم ترک و شونیسم غالب در ایران تا ناسیونالیسم و رشکسته و بی نتیجه امثال حزب دموکرات کردستان و باند های مانند سازمان زحمتکشان آقای عبدالله مهندي و آقای حسین یزدان پناه درست کرده و خواهند کرد. و همینها هم به جامعه خون میپاشند اگر جلوشان گرفته نشود. این احزاب برای منفعت کورکورانه ی خودشانکه هدفشان شراکت در حاکمیت سیستم موجود است، مانند هر فرد مسلمان افراطی که چطور پنج بار نماز خود را فراموش نمیکند و سجده میبرد، و میدانیم پایه ی آن هم خرافای و هیچ است. این احزاب و جریان ها هم دقیقاً با همان متد و سنت در حال تحریکات قومی هستند برای اینکه "مردم پیشمرگ" بشوند برای اینکه فردا حکومت را به دست بگیرند، برای اینکه هر کس یک شهر را قرق کند و همدیگر را قتل عام کنند.

بحث من این است که مردم مقیم کردستان(حالا که به زبان کردی رو به آنها صحبت میکنیم) چرا باید به این ها گوش بدهد و دنبال اینها باید بروند؟!، اگر مسئله ی لباس و زبان و رهایی از ستم ملی است راه های دیگر و بسیار بهتر و انسانی تری هم وجود دارد. از زمان بابان ها و ساسان و کاکان ها تا زمان قاضی محمد و اسماعیل آقای شکاک تا زمانی که قاسملو و حزب دموکرات شروع به فعالیت مجدد کردند بعد از سرنگونی شاه و لیبیک قاسملو به "امام خمینی" تازه بقدرت رسیده، و حتی در دیگر بخشهای کرد نشین در کشورهای دیگر هم، آیا ما از کانال سیاست و اهداف چنین احزاب و جنبشهای توانسته ایم مشکل کرد و ستم ملی را حل کنیم؟، نه!، کجا؟! اکثر اوقات حرف "قانع" کننده نیست اما تاریخ یک درس گرانبها و آموزنده برای مردم است. وقتی این پروژه به نتیجه نمیرسد یک حزب سی، چهل، پنجاه سال به نام "ملت کورد" ما را گول میزنند و هر بار شعاری را به هوا فوت میکنند، از خودمختاری تا خودگردانی از استقلال تا فدرالیسم و خود مدیریتی و دموکراسی سر میدادند، و هر بار به یک دولتی پناه میبرند و غالباً همراه ونوکر آمریکا هستند، برای پیشبرد زندگی خودشان با دولت های سرکوبگر همین "کردها" کار میکنند، چگونه باید اکنون مورد اعتماد و اتکا شهروندانی باشند که خواهان رفع ستم ملی بر خود است؟! اینها چطور میتواند یک جامعه را آزاد کنند؟! در نتیجه باید بدانیم راه حل اینها مانند همه این تاریخ شکست خورده ای که داشته و دارند راه بجای نخواهد برد از جمله طرح عوامفربانه و خونین فدرالیسم کنونی شان.

گفتگو با سلام زیجی و زاگرس ابراهیمی...

اکنون این موضوع نه برای همه ایران بلکه برای کردستان ایران بنا به دلایلهای روشن و تاریخی که پشتش هست برای ما موضوعیت دارد. در حقیقت اگر این پروژه سوسیالیستی و آزادیخواهانه برای سرنگونی حکومت اسلامی و استقرار نظام آتی کشور شکست بخورد يك شکست بزرگ برای همه ی کارگران و مردم آزادیخواه ایران خواهد بود و مسئله ملی و حل آنرا نیز مانند خیلی مسائل دیگر سخت تر و پیچیده تر خواهد کرد.

با این وجود راه حل دوم ما استقلال از طریق برگزاری رفراندوم و مراجعه به آرا شهروندان است. بدون هیچ فشاری و دخالت منفی دولت و نیروی نظامی و احزاب و فشاری. تامین کردن یک فضای آزاد شش ماهه تا یکساله برای همه نیروها و افراد، دادن امکانات یکسان تبلیغی برای همه، موافق و مخالف، و سر انجام رفتن به پای صندوقهای انتخاباتی است که تعیین میکند آینده کردستان ایران چگونه رقم خواهد خورد. و در این رفراندوم ماندن در چهارچوب ایران با برخورداری از حق کامل و برابر شهروندی یا جدایی و استقلال مناطق کردنشین به رای همگانی گذاشته خواهد شد. از ما آن زمان درباره ی این موضوع تصمیم خواهیم گرفت که آیا این استقلال به نفع مردم و آزادی و کارگر و زحمتکش و خوشبخت کردن شهروندان و رفع نهای ستم و مشکل ملی خواهد بود یا نه بر عکس ماندن در چهارچوب کشور واحد. در هر صورت ما نتیجه چنین رفراندومی هر چه باشد به رسمیت خواهیم شناخت. و این چکیده و مضمون سیاست حزب سوسیالیست انقلابی ایران در این باره است.

سیاست و پروژه ی که ما داریم هیچ گونه همسوئی با شونیسیم و ناسیونالیسم و پروژه ارتجاعی فدرالیسم ندارد، تماماً علیه همه این سیاستها و طرحهای هستیم که تا امروز طبقه کارگر و اکثر شهروندان ایران، از جمله مناطق کرد نشین، را قربانی دست ترافندها، زورگویی ها، سیاستهای بورژوائی، و شکست و ناکامی های خود چه در قالب دولت و چه احزاب بورژوائی در یوزسیون و ایوزسیون کرده اند و به دروغ در لباس "ملت"، "مردم"، "کشور و میهن" و "قوم و نژاد" هم ظاهر شده اند. تاکید میکنم که کارگران و مردم زحمتکش و آزادیخواه وقتی کلمه ی فدرالیسم را میشنوند باید بدانند از این پروژه دریای خون جاری میشود، همانگونه که در عراق جاری شد و باز هم جاری خواهد گردید، و در صورت وقوع در ایران میتواند به مراتب آینده ای سیاهتری به دنبال داشته باشد. آنگاه نسل بعداز نسل، و بچه های ما نیز ماها را نخواهند بخشید، که بعد از چهل سال سرکوب و جنایت جمهوری اسلامی و ظلم های که در حق مردم کرده است، حال بعداز این نظام ارتجاعی سعی کنیم چنین سیستمی را سر کار بیاوریم، که از جمهوری اسلامی اگر سیاهتر و پر مخاطره آمیزتر نباشد مطلقاً کمتر خواهد بود. چنانچه اینها، همه شان، دستشان به قدرت برسد چنان سناریو ضد انسانی تحمیل خواهند کرد که با چهل سال دیگر نتوانیم از دست خونین شان نجات پیدا کنیم. از همه میخواهیم این طرح ضد انسانی و سناریو سیاهی فدرالی را بیش از پیش طرد کرده و طرفدارانش را رسوا نمایند.

(با تشکر از رفیق تینا خلیفه ای برای پیاده کردن این گفتگو و ترجمه آن از زبان کردی به فارسی. این گفتگو در تاریخ ۷ آوریل ۲۰۱۹ صورت گرفته و پخش شده است، برای رجوع به فایل تصویری گفتگو به این لینک مراجعه شود: <http://www.hawpshti.com/19/>

[http://www.hawpshti.com/19/?p=1549&fbclid=IwAR3li_wYbgdfsb6Fip41E2Hi_ZeLAWK\(3LZdsobDSDGEV2u20U_ZptfNAPhu](http://www.hawpshti.com/19/?p=1549&fbclid=IwAR3li_wYbgdfsb6Fip41E2Hi_ZeLAWK(3LZdsobDSDGEV2u20U_ZptfNAPhu)

ما پیشنهادمان این است که برای حل مشکل ملی به راه حل سوسیالیستی ملحق شوند. راه حلی که انقلابی بودن و انسانیت و آزادی و برابری همه شهروندان را جلوی پایمان گذاشته است. ما بر مبنای عقب مانده سنجش و رجوع به گروه خون نژاد یا قومیت کسی برای حل معضل واقعی و تحمیل شده اجتماعی نمیرویم. بلکه مبنای آن حق برابر شهروندی و رفع مشکل و ستم و معضلی است که ارتجاع بر ما تحمیل کرده است. ما اینطور فکر میکنیم که انسانها از روزی که به دنیا می آیند تا آخر عمر مانند یکدیگر حق برابر و آزادی در این دنیا را دارند، هر شکلی از برترت طلبی بر بخشی از این انسانها را، به هر بهانه ای، اوج ارتجاع و ضد انسانی میدانیم. هیچ کس حق ندارد به نام ملت و مذهب و دین برتری داشته باشد. حق نداریم يك طرف را شستشوی مغزی بدهیم و حتی وادارشان کنیم به قتل عام یکدیگر بپردازند. این نوع تحریکات و اقدامات ضد انسانی همواره از جانب دو جنبش جریان بورکوائی صورت گرفته است. یکی احزاب و جریانات ناسیونالیست شونیسیتی و اسلام شیعه و سنی هر دو که در دولت بوده اند و همچنین اپوزسیون دست راستی و ناسیونالیست قومی یا مذهبی که فاشیسم حاکم در قدرت راهش نداد و سهم شان نکرده است.

اولین هدف ما در ایران سرنگونی جمهوری اسلامی است، بدون دخالت های مکرر و منفی آمریکا و کشور های دیگر، چون ما این دخالتها را ضد انقلابی و به زیان مبارزه خود میدانیم. ما از راه مبارزه واحد کل طبقه کارگر و همه شهروندان حامی آزادی و برابری و رفع ستم و از راه يك انقلاب کارگری- توده ای و متحدانه سوسیالیستی میخواهیم بر جمهوری جهل و جنایت جمهوری اسلامی پیروز گردیم. ما بر استقرار يك نظام سوسیالیستی پای میفشاریم و این نظام سوسیالیستی بر مبنای سیستم شوراهای کارگری و عمومی حاکمیت خود را اعمال میکند، چنین سیستمی متعلق به همه و با دخالت و تصمیم هر روزه همه شهروندان به نظام سیاسی، اداری، اقتصادی و غیره خود ادامه خواهد داد، یعنی ستم و تبعیض و استثمار به پایان خواهد رساند. اولین قدم در این نظام شورائی-سوسیالیستی لغو تمام قوانین ضد انسانی و نابرابری است کرامت انسان و حق و حقوق آنها را نادیده گرفته است، که ظلم و ستم را توجیه کرده است، و رفع ستم ملی جزو یکی از مهمترین آنها است. مردم ایران به هر رنگ و نژاد و جنسیت و پیشینه ای از نظر ما حق برابر در تمام امورات دولتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره کسور را دارد. از جمله زبان مادری، و پوشش در همه سطوح و بخش های ایران صد درصد باید آزاد و برای همگان ممکن گردد. این پروژه ی ماست و امیدواریم که به نتیجه برسد. از مردم آزادیخواه درخواست میکنیم که به این پروژه ملحق شوند، و همانطور که چهل سال است ضد جمهوری اسلامی از تهران و تبریز و سنجندج و سقر و بانه باهم مبارزه میکنیم برای آزادی و برابری با هم میتوانیم يك نظام سوسیالیستی و آزادیخواهانه را نیز تشکیل دهیم و قدرت خودمان را افزایش دهیم و ستم ملی را برای همیشه و به طور کامل حل خواهیم کرد. اما وقتی از این پروژه درست و بر حق به هر دلیلی موفق بیرون نیابیم، آلترناتیو دوم ما برای حل مسیکه ملی و رفع ستم ملی "استقلال" است.

"لواسان" یکی از اشرافی ترین منطقه سرمایه داران و عوامل حکومت اسلامی

آذر کیمیا

در جهان تحت حاکمیت اسلامی ها و سرمایه داران میهن پرست، از یکسو که اکثریت شهروندان آرزوی حداقل زندگی اقتصادی دارند ما شاهد بهشت های مانند "لواسان" هستیم که یکی از اشرافی ترین شهرک و لواسان یکی اشرافی ترین منطقه با کاخ های فوق میلیاردی که مخصوص "ژن خوب ها" و اقا زاده های مفت خور و دزد حکومتی و غیر حکومتی ایرانی است. آنچه در این منطقه سوپر لوکس و نحوه زندگی اقا زاده ها می بینید هوش از سرتان می پراند و حالا حالاها باورتان نمی شود.

انگار برای آنان رقم میلیارد پول خورد است. باور کنید سرمایه داران اروپایی ها و امریکایی ها هم چنین امکانی ندارند و چنین غلط هایی نمیکنند. باید از نزدیک ببینید تا با عمق اشرافی گری و اقا زادگی در ایران آشنا شوید. پول مردم محروم شده و زحمات بدون مزد دهها میلیون کارگر سرکوب شده ایرانی از کجاها سر در آورده است، و قشر ۴درصدی ها چگونه حق ۹۶درصدی ها را با اتکا به خامنه ای و روحانی و کل سیستم حکومت عدل علی حاکم بر این مملکت را می خورند. آنها دیگر ابایی از پنهان کاری ندارند تلاش برای یافتن پاسخی به این سوال باعث شد که به وضعیت ۹۰درصد مردمی که به نان شبشان در مانده اند برسیم. چرا باید تعداد اندکی در اشرافی ترین منطقه دنیا با کاخ های فوق میلیاردی زندگی کنند طوری که در هیچ جای دنیا حتی در پیشرفته ترین کشورها هم چنین زندگی اشرافی کمتر شاهدش هستیم، چگونه به این پولها رسیده اند. تورم روز به روز بیشتر می شود و قیمت ها افسار گسیخته شده است، مردم از زندگی ابراز نارضایتی شدید دارند، اوضاع معیشتی سال به سال بدتر می شود، مردم کارگر و زحمتکش دیگر توان تحمل مشکلات اقتصادی و معیشتی را ندارند، در زمانی که جامعه در کمبود به سر می برد، گرانی بیداد می کند، نرخ ها ثابت نیست، اما همین مردم از یک سو زندگی و درد و رنج خود را می بینند و از سوی دیگر زندگی اشرافی تعدادی و اخبار مربوطه به فساد اقا زاده گان را می شنوند.

این فساد و رانت خواری با ساختار اداری و سیاسی اجتماعی حاکم بسیار مرتبط است و ساختار باعث ایجاد ویژه خواری و فساد می شود، البته خویشاند سالاری هم در فرهنگ حاکم دولت و طبقه حاکم همیشه وجود داشته است، ولی نبود قانون و از سوی دیگر نبود نظارت کافی و مطبوعات آزاد که فساد را تعقیب کند همگی دست به دست هم می دهند و باعث گسترش پدیده ی اقا زادگی همراه با فساد و رانت می شود. وجود قوانین درست و بستن مجاری فساد به این معنی است که همه سیستم ها و هر جایی که پول رد و بدل می شود کاملاً مشخص باشد. انسانی که توسط دیگران رنج می کشد سرکوب می شود استثمار می شود و از حقوق اجتماعی سیاسی یا اقتصادی خویش محروم می شود همزمان این قابلیت را دارد که از طریق خود آگاهی به وضعیت نابرابر خویش بر آن بشورد و آن را تغییر دهد و از آنجایی که منافع فرد در جامعه در گرومنافع جمع است رهایی فرد از نابرابری و استثمار و سرکوب و هر گونه ستم در گرو رهایی افراد دیگر است.

بدینترتیب برای پایان دادن به این زندگی اشرافی از نوع "لواسان" که بر گرده زندگی مملو از فقر و درد و رنج اکثریت شهروندان و در سایه حاکمیت اسلامی و نظام حاکم سرمایه داری ممکن گردیده است راهی جز به زیر کشیدن کل این سیستم و بنا نهادن یک نظام اقتصادی، سیاسی، اداری که در شان انسان و تامین آزادی و برابری و رفاه همگان باشد، پیش روی جامعه نیست!

تماس یا سایت سوسیالیسم امروز:

info@simroz.org

تماس با دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی:

iransocialist2017@gmail.com

نشریه شنبه ها

منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته
نشریه "سوسیالیسم
امروز" منتشر میشود.
آخرین زمان برای ارسال
مطالب برای نشریه
روزهای پنجشنبه هر هفته
است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و
ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر
میشوند که تنها برای این
نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با
نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در
نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت
۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً
به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب
کمک های مالی خود را برای
ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما
انسانهای مبارز و دلسوز
مستقیماً به پیشرفت ما در
جهت گسترش مبارزه خود
برای آزادی و برابری و تداوم
مبارزه همه جانبه تر خود به
منظور سرنگونی جمهوری
جنایتکار اسلامی کمک فوری
خواهد کرد.

اخراج و بیکارسازی موقوف!